

سیر تاریخی آموزش موسیقی در امریکا

از تاریخ پیدایش امریکا و از آن زمان که بمناسبت وسائل و وسائط جدید و جدیدتر راه ارتباط مردم نقاط مختلف دنیا، نزدیکتر و برقراری ارتباط آسانتر شد، عواملی چند جامعه بشری و نظام آموزشی آنرا تحت تأثیر عمیق قرارداد. یکی از این عوامل، ظهور دانشوران دوره گرد است که درزمینه‌های مختلف، جوامع مربوطه را متأثر ساختند، تا بحدی که مدارس، مرکز بحث و فحوص مربوط به موسیقی شد. با مال نعمات موسیقی که با آوازه‌های محلی معمول بالنسبه تفاوت داشت اذهان مردم زمان را متوجه خود ساخت کنسرت بوجود آمد و اهمیتی بسزا کسب کرد. کسانی که از ممالک خارجی تجربیاتی در زمینه موسیقی کسب کرده بودند و اغلب خود خارجی بودند وارد دسته‌های موسیقی امریکائی شدند و کنسرت‌های بزرگ و بزرگتر تشکیل گردید. ارکستر «تئودور تامس» بوجود آمد و پرچم موسیقی با آلات و ابزارهای گوناگون را در سراسر مملکت باهتزاز درآورد. بعد از تامس، دا مروش و گروه گیلنمور، ریوس، کائوی و سوسا پا برای نهادند که تامس آنرا احداث نموده بود. بتدریج در هر یک از شهرها، گروهی بوجود آمد، کمپانی اپرای متروپولیتن تشکیل شد، سمفونی در محیط وسیع متروپولیتن تثبیت گردید. اما هنرمندان حرفه‌ای بنسبت زیادی به موسیقی

مدارس مدیونند. بهمان نسبت موسیقی مدارس، مقام و موقعیت خود را، ناشی از وجود هنرمندان حرفه‌ای میدانند، زیرا آنان بودند باعث شدند بر اینکه، موسیقی در مدارس، پیشرفت زیادی کسب کند. از این طریق در اشاعه این هنر و توسعه دامنه آن توفیق کامل حاصل شود.

عوامل مهم دیگر در توسعه دامنه موسیقی، وجود مریان شایسته و دلسوز بوده‌اند اولین بار در جریان جنگهای انفصال، در مدارس امریکا، بتعلیم موسیقی توجه شد. مدارس، برنامه‌های خود را تغییر دادند و سعی بر این شد که مریان موسیقی در کلاسهای ابتدائی، مرتب بتعلیم نوباوگان پردازند. از این راه آلات و ابزار مختلف موسیقی، بکلاسهای درسی راه یافت و موجب آشنائی دانش آموزان با آنان گردید.

در سال ۱۸۶۵ میلادی، کنسرواتور ابرلین بوجود آمد. بلافاصله کنسرواتورهای مختلف و متعددی در موسسات مربوط بدان نگاهها پابصرهستی نهاد. بدین ترتیب تعلیم موسیقی اهمیت بیشتری پیدا کرد. مریان صالح در سطح ایالات و ولایات در کیفیت آموزش موسیقی شروع بنظارت نمودند و در سال ۱۸۷۶ اتحادیه ملی معلمین موسیقی تشکیل شد. در همین زمان، طرز تفکر علمی و فلسفی جدید و جهان بینی نوئی عرضه شد که موجب اعتلاء هر چه بیشتر موسیقی در مدارس شد. فلسفه پراگماتیسم، نظرات ویلیام جمس و جان دیوئی، الهام بخش جنبش فرهنگی پیشرفته تری بودند. طولی نکشید که در امریکا و اروپا موسیقی یکی از مواد با اهمیت برنامه مدارس شد. این اصل، مورد قبول همگان قرار گرفت که غرض از کسب معلومات، همانا تلطیف رفتار انسانی و تقویت معنویات انسانهاست و موسیقی بمناسبت اثر خاصی که در تلطیف رفتار انسان داشت کمال اهمیت را حائز گردید و ارج و ارزش بیشتری پیدا کرد. در هر صورت تدریس موسیقی این نتیجه را در بر داشته است که علاقه خاص دانش آموزان را، بدین هنر برانگیزد و دقت نظر آنان را در باره مسائل بالا برد. مالا لزوم تدریس آن بیشتر احساس شد.

پیشرفت تدریس موسیقی در سال ۱۹۰۰ میلادی :

قبل از اینکه تعلیم موسیقی سازی در مدارس معمول شود اصولا کار تعلیم این

هنر بسیار سخت و طاقت فرسا بود. تا اوایل قرن بیستم مدارس عمومی موسیقی، مخصوص تعلیم آواز بود. یکی از مشکلات موجود همانا تربیت مربی بود که بتواند بتعلیم موسیقی سازی پردازد و این عمل باسنتی که قرن‌ها جریان داشته و عقاید را تحت تأثیر قرار داده بود متضاد جلوه میکرد ولی بهر نحوی بود بالاخره سعی شد که در این راه توفیق حاصل بشود و بنسبت زیاد هم توفیق حاصل شد.

در ظرف دهساله اول قرن بیستم چندین ارکستر بنام ارکستر آموزشگاههای عالی تشکیل شد. سعی در اینکه سازمان ارکسترها بهتر و تعداد آنها بیشتر شود این نتیجه را در برداشت که چند ارکستر نیز در مدارس تشکیل شد و بدین ترتیب پیشرفت مداومی در موسیقی سازی و ترقی و توسعه آن حاصل گردید.

اولین ارکسترهایی که در مدارس تشکیل شده بود در خارج از مدارس نیز فعالیت داشتند. بزودی ضرورت اضافه شدن وسائلی بآنچه تا آن زمان مورد استفاده بود احساس شد. امریکاییهایی که در مستعمرات اقامت داشتند مدارس مخصوص تعلیم آواز نیز تشکیل دادند که جدا از کلاسهای مخصوص تعلیم موسیقی سازی سرگرم کار بود بجهاتی باید گفت که کلاسهای مخصوص تعلیم موسیقی سازی تاریخشان بسالهای قبل نیز بر میگردد زیرا طبیعی است که موسیقی دانان در طول تاریخ بمنظور اینکه بتعداد آشنایان بموسیقی سازی بیفزایند اقدام بتعلیم افراد مینمودند و اتفاقاً از میان همین افراد، نوازندگان بنامی نیز برخاسته اند. باوجود این مهمترین سازمانهای تدریس موسیقی سازی، که در مدارس شروع بکار کرده است مربوط بقرن بیستم میباشد.

اساساً هدف این بود که برای ارکسترهای بزرگ نوازندگان تربیت شوند بهمین مناسبت در طرز تعلیم نیز تغییراتی داده شد. دانش آموز بنسبت سن و استعداد خود وبملاحظه سازی که وی با آن سروکار داشت در گروه مخصوصی قرار میگرفت. مریبان معمولاً دقت داشتند که استعداد دانش آموز در هر يك از قسمتها قدم بقدم پیشرفت کند ولی بعضی از آنان، علاقمند بودند که دانش آموزان خود را، در يك زمان به سازهای مختلف، اعم از بادی و زهی آشنا نمایند.

بمرور زمان درآلات موسیقی تکاملی بوقوع پیوست البته آموزش کلاسی موسیقی موفقیت بهتری را کسب کرد. بتدریج درمدارس ابتدائی نیز ارکستری ازدانش آموزان تشکیل شد. منتهی سازهای بادی بیشتر و سریعتر پیشرفت مینمود. در هر حال اولین گروه موسیقی در سالهای نزدیک به جنگ اول جهانی بوجود آمد. تأسیس گروههای موسیقی درمدارس چشم گیرترین پیشرفت موسیقی در آموزش این رشته در امریکا بشمار میرود. خود همین جنگ جهانی کمک موثری به پیشرفت موسیقی کرد. علائق مردم را بطرف گروههای موسیقی تحریک نمود. مسئولین موسیقی بزودی متوجه این نکته شدند که گروههای متشکل شایستگی پیشرفت بیشتری را دارند بتدریج نشانهایی از علاقه مردم نسبت بدین گروهها پیدا شد حتی دبیرستانها نیز تحت تأثیر همین برنامه ها قرار گرفتند طولی نکشید که اولین علائق تماس بین مدارس و مردم بظهور رسید. البته برای براه انداختن این چنین گروهها اعتباراتی لازم بود که گاهی آنچه مدارس در اختیار داشتند کفایت نمی کرد لذا کسر اعتبارات لازم از طرف موسسات تجارתי از قبیل مؤسساتی که محصولان آلات موسیقی و لوازم آنها بود تامین گردید همین عمل امکانات فروش بیشتر محصول را نیز حاصل کرد. این مؤسسات شروع به ترغیب گروهها نمودند تا هر چه بیشتر کارشان را رونق بخشند و توسعه دهند.

پیشرفت سریع موسیقی درمدارس، مریبان موسیقی را وادار با ایجاد سازمانهای مختلف جدیدی نمود. بخش موسیقی اتحادیه آموزش ملی، در سال ۱۹۰۷ تظاهرات عظیمی را در کئو کوك در ایالت آیوا براه انداخت که بارزترین نتیجه آن کنفرانسی بود بنام کنفرانس مشاورین موسیقی، ولی اخیراً نام آن به کنفرانس ملی مریبان موسیقی تغییر یافته است. افراد وابسته بدان کنفرانس و بعضی افراد دیگر يك سلسله روابط حرفه ای مفیدی را سبب شدند که الهام بخش بود. البته نتیجه طبیعی این رشد و توسعه پیدایش یکنوع مناظراتی نیز بود که از طرف گروه متشکل معلمین و بعضی مؤسسات بازرگانی بوجود آمد.

در سال ۱۹۲۸ اولین مناظره ملی رسمی بین کنفرانس ملی مریبان موسیقی وبنگاههای ملی موسیقی پیشرفته تشکیل شد. در همان اوان بود که یکنوع

مسابقاتی نیز بین گروههای موسیقی بوجود آمد. اردوی موسیقی ملی در شهر
انترلاکن در ایالت میشیگان بوجود آمد بفاصله کمی در اغلب شهرها این روش
تعقیب شد. در این اردوها، دانش آموزان مدارس مختلف جمع میشدند و از
جلساتی پرهیجان، آموزشهای مفیدی میدیدند. فعالیت‌هایی که در نتیجه بظهور
میپیوست غالباً بنای فعالیت‌های مفید بعدی و فستیوال‌هایی را بوجود آورد. بعد از
چند سال، چنین مناظراتی در محافل موسیقی بین شهرستانها نیز پیدا شد. گفته
شده است که در اثر چنین مناظراتی فرقی بین موسیقی اصیل و آنچه بدان فقط اسماً
موسیقی اطلاق میشد آشکار گردید. البته انتقاداتی نیز بمیان آمد. ولی انتقاداتی
که میشد غالباً بی نتیجه بود زیرا منتقد را نشان نمیدادند یا نمیتوانستند نشان
بدهند.

موسیقی چنانچه باید از نفوذ اکتشافات علمی اخیر بهره نبرده است در
صورتیکه وسائل مختلف سمعی و بصری در کلاسهای درس، نتیجه اختراعات فنی
سنوات اخیر است. اما استفاده موسیقی از فن و اختراعات فنی بپایه انتقاداتی که
تدریس در مواد غیر موسیقی از اسباب و آلات استفاده میکنند رسیده است. از طریق
رادیو، تلویزیون، فیلم سینما ممکن است میلیونها انسان را تحت تاثیر قرار داد
و تکرار آنها نیز بمراتب سهل تر است.

در حقیقت میشود گفت که تمام مردم توجهشان به سنفونی انجمن فیلارمونیک
نیویورک معطوف است این وضع در مدارس نیز مؤثر میباشد نه تنها يك دانش آموز
ممکن است تحت تاثیر چنان وضعی قرار گیرد بلکه تجارب خود او از مدرسه
باعث میشود که وی در خارج از آموزشگاه نیز در پی احساس لذت در موسیقی
باشد.

در آن زمانی که سالهای اولیه اجرای برنامه‌های موسیقی از رادیو جریان
داشت بتدریج وضعی پیش آمد که از میزان پخش موسیقی عالی کاسته شد تا اینکه
آگهی‌های تجارتي توأم با موسیقی پخش شود. خوشبختانه چند برنامه بسیار خوب از
قبیل اپرای متروپولیتن و سنفونی انجمن فیلارمونیک بفعالیت خود ادامه میدادند
بعلاوه دستگاه آموزشی، يك عده از ایستگاههای تجارتي نیز هر روز چند ساعت
موسیقی جدی پخش میکرد. در همان حال تلویزیون‌ها نیز شروع به پخش

موسیقی جدی کردند .

تأثر افراد از موسیقی ، در سنوات اخیر مورد تحقیق قرار گرفته است .
شواهدی در دست است که اجداد ما در سطح اپرا با آثار لیست و سبک پرهیجان
عهد ویکتوریا بیشتر تحت تأثیر قرار می گرفتند . این موضوع موجب شده است
که در مورد تأثیر موسیقی در مردم عصر حاضر تا حدی دچار یاس و نومیدی
شریم .

آموزش موسیقی در آمریکا راه جدیدی را در پیش داشت و میبایستی آنرا طی
نماید و هنوز باوج ترقی خود نرسیده بود . بنظر میرسد که نفوذ گذشته وسیعی
وافر معلمین متعدد موسیقی و دانش آموزان بی شمار حاصل خوبی داشته است .

فرهنگ دنیائی موسیقی لاقلاً جوانان ما را تحت تأثیر قرار میدهد . وضع
تعلیم آزاد موسیقی در مملکت ، موجب نتایج رضایت بخشی شده است . امروز عملاً
هر کودک این شانس را دارد که در دبستان کسب معلومات موسیقی نماید اما متأسفانه
گاهی بعضی از اطفال این شانس را از دست میدهند چون گاهی آلات و ابزار ،
تناسبی با استعداد یادگیری آنان ندارد . در حقیقت عده زیادی از دانش آموزان
بموسیقی بعنوان یک چیز فنی مینگرند این دانش آموزان گاهی از موسیقی دوری
میگزینند و تقریباً هزینه ای را در این راه متقبل نمیشوند .

تعلیم موسیقی بطور کلی در حال حاضر بحد کمال خود رسیده است . مریبان
موسیقی در مدارس توانسته اند اشاعه این هنر را تا حدی که سابقه نداشت برسانند .
موسیقی در مدارس از استفاده از هیچ فرصت ، کوتاهی نکرده است . همین موجب
موفقیت آن است و حتی محیط خارج از مدارس را تحت تأثیر قرار داده است .

اساساً در اواسط قرن حاضر آمریکا به بهشت موسیقی شباهت پیدا کرده بود
و جایی در آن مملکت نبود که موسیقی در آن رسوخ نکرده باشد . در پنجاه ساله
اخیر نیز این هنر در آن کشور ، بطور تصاعدی پیشرفت کرده است ؛ بدیهی است که
پیشرفت در آهنگسازی نیز بوقوع پیوسته است . در سال ۱۹۰۰ میلادی ، اساساً
در آمریکا فقط چهار ارکستر وجود داشت با سامی ارکسترهای بوستن ، شیکاگو ،
سین سیناتی و پتسل بورو . ولی امروز بیست ارکستر در آن کشور مشغول فعالیت

مسابقاتی نیز بین گروههای موسیقی بوجود آمد. اردوی موسیقی ملی در شهر
انترلاکن در ایالت میشیگان بوجود آمد بفاصله کمی در اغلب شهرها این روش
تعقیب شد. در این اردوها، دانش آموزان مدارس مختلف جمع میشدند و از
جلساتی پرهیجان، آموزشهای مفیدی میدیدند. فعالیتهایی که در نتیجه بظهور
میپیوست غالباً بنای فعالیتهای مفید بعدی و فستیوالهایی را بوجود آورد. بعد از
چند سال، چنین مناظراتی در محافل موسیقی بین شهرستانها نیز پیدا شد. گفته
شده است که در اثر چنین مناظراتی فرق بین موسیقی اصیل و آنچه بدان فقط اسماً
موسیقی اطلاق میشد آشکار گردید. البته انتقاداتی نیز بمیان آمد. ولی انتقاداتی
که میشد غالباً بی نتیجه بود زیرا منتقد را نشان نمیدادند یا نمیتوانستند نشان
بدهند.

موسیقی چنانچه باید از نفوذ اکتشافات علمی اخیر بهره نبرده است در
صورتیکه وسائل مختلف سمعی و بصری در کلاسهای درس، نتیجه اختراعات فنی
سنوات اخیر است. اما استفاده موسیقی از فن و اختراعات فنی پیایه انتقاداتی که
تدریس در مواد غیر موسیقی از اسباب و آلات استفاده میکنند نرسیده است. از طریق
رادیو، تلویزیون، فیلم سینما ممکن است میلیونها انسان را تحت تاثیر قرار داد
و تکرار آنها نیز بمراتب سهل تر است.

در حقیقت میشود گفت که تمام مردم توجهشان به سنفونی انجمن فیلارمونیک
نیویورک معطوف است این وضع در مدارس نیز مؤثر میباشد نه تنها يك دانش آموز
ممکن است تحت تاثیر چنان وضعی قرار گیرد بلکه تجارب خود او از مدرسه
باعث میشود که وی در خارج از آموزشگاه نیز در پی احساس لذت در موسیقی
باشد.

در آن زمانی که سالهای اولیه اجرای برنامههای موسیقی از رادیو جریان
داشت بتدریج وضعی پیش آمد که از میزان پخش موسیقی عالی کاسته شد تا اینکه
آگهیهای تجارتي توأم با موسیقی پخش شود. خوشبختانه چند برنامه بسیار خوب از
قبیل اپرای متروپولیتن و سنفونی انجمن فیلارمونیک بفعالیت خود ادامه میدادند
بعلاوه دستگاه آموزشی، يك عده از ایستگاههای تجارتي نیز هر روز چند ساعت
موسیقی جدی پخش میکرد. در همان حال تلویزیونها نیز شروع به پخش

موسیقی جدی کردند .

تأثر افراد از موسیقی ، در سنوات اخیر مورد تحقیق قرار گرفته است . شواهدی در دست است که اجداد ما در سطح اپرا با آثار لیست و سبک پرهیجان عهد ویکتوریا بیشتر تحت تأثیر قرار می گرفتند . این موضوع موجب شده است که در مورد تأثیر موسیقی در مردم عصر حاضر تاحدی دچار یاس و نومیدی شریم .

آموزش موسیقی در امریکا راه جدیدی را در پیش داشت و میبایستی آنرا طی نماید و هنوز باوج ترقی خود نرسیده بود . بنظر میرسد که نفوذ گذشته سعی وافر معلمین متعدد موسیقی و دانش آموزان بی شمار حاصل خوبی داشته است .

فرهنگ دنیائی موسیقی لاقلاً جوانان ما را تحت تأثیر قرار میدهد . وضع تعلیم آزاد موسیقی در مملکت ، موجب نتایج رضایت بخشی شده است . امروز عملاً هر کودک این شانس را دارد که در دبستان کسب معلومات موسیقی نماید اما متأسفانه گاهی بعضی از اطفال این شانس را از دست میدهند چون گاهی آلات و ابزار ، تناسبی با استعداد یادگیری آنان ندارد . در حقیقت عده زیادی از دانش آموزان بموسیقی بعنوان یک چیز فنی مینگرند این دانش آموزان گاهی از موسیقی دوری میگزینند و تقریباً هزینه ای را در این راه متقبل نمیشوند .

تعلیم موسیقی بطور کلی در حال حاضر بحد کمال خود در رسیده است . مریبان موسیقی در مدارس توانسته اند اشاعه این هنر را تا چندی که سابقه نداشت برسانند . موسیقی در مدارس از استفاده از هیچ فرصت ، کوتاهی نکرده است . همین موجب موفقیت آن است و حتی محیط خارج از مدارس را تحت تأثیر قرار داده است .

اساساً در اواسط قرن حاضر امریکا به بهشت موسیقی شباهت پیدا کرده بود و جایی در آن مملکت نبود که موسیقی در آن رسوخ نکرده باشد . در پنجاه ساله اخیر نیز این هنر در آن کشور ، بطور تصاعدی پیشرفت کرده است ؛ بدیهی است که پیشرفت در آهنگسازی نیز بوقوع پیوسته است . در سال ۱۹۰۰ میلادی ، اساساً در امریکا فقط چهار ارکستر وجود داشت با سامی ارکسترهای بوستن ، شیکاگو ، سین سیناتی و پتسل بورو . ولی امروز بیست ارکستر در آن کشور مشغول فعالیت

است که بودجه سالانه هر يك از آنها متجاوز از يكصد هزار دلار میباشد و بر این بیستار کستر بزرگ ، باید دههاار کستر كوچك و در حدود ششصدار کستر محلی و در حدود دوهزار ار کسترهای آموزشگاهی را اضافه نمود که امروز در عرصه پهناور این کشور سرگرم کارند . بطور کلی در آن سرزمین توجه در موسیقی همیشه بنوع بهتر و با ارزش تر آن است و ابدآهنگهایی که از سطح معینی پائین تر است طرف توجه قرار نمیگیرد . خود همین نکته موجب اعتلای کیفیت این هنر و سبب این است که آهنگسازان خالق آثار برجسته ای بشوند تا مقام و موقعیت شایسته بخود را در اذهان و قلوب بدست آورند . بفرض قاطع میشود گفت که موسیقی مدارس، در این راه کمک شایانی کرده است . چون اطلاع افراد و جوانان در موسیقی در مرحله ای که هنوز کودکی بیش نیستند خواهی نخواهی آنان را آشنا بموسیقی، و تشخیص آنچه بدان بمعنی واقعی موسیقی اطلاق میشود باریا آورد و دیگر تحمیل يك سلسله سرو صدائی بدانان، بنام موسیقی ، بدون توجه باینکه در چه سطح قرار دارد امکان پذیر نمیشود و وقتی مستمع فقط باشنیدن آهنگ ارزنده قانع شد و به آهنگهای پائین تر از يك سطح معقول توجه نکرد خود بخود موجب دقت نوازنده در انتخاب آهنگ خواهد بود . روی همین اصل آهنگساز امریکائی بمردمی که قدرت تشخیص دارند و خوب و بد در نظر آنها از هم ممتاز است آهنگ میسازد . بهمین علت مجبور است بهتر بسازد و اتفاقاً خود او نیز یکی از افراد همین مردم است و موسیقی را همیشه از يك سطح معقول بیلا شنیده است و اینك شیفته آن شده است و خود آن را خلق میکند .

یکی از برجسته ترین پیشرفتهای موسیقی آموزشی ، عبارت از این است که مدارس تقریباً در مسئولیت جریان موسیقی در مملکت سهم بسزائی دارند . قبل از اینکه مدارس مخصوص موسیقی بوجود آید جامعه عامل تعلیم موسیقی بود ، وقتی موسیقی در مدارس در آنچه مورد نظر بود توفیق کامل حاصل نکرد ، سایر شعب تعلیم موسیقی وظیفه خطیر دقت و نظارت در تعلیم آن را بعهده گرفتند یعنی وقتی مدارس قرون وسطائی توجه خود را قهراً بر ریاضیات بیشتر از موسیقی منعطف ساختند کلیسا بخلق موسیقی دانانی همت گماشت و وقتی مدارس وابسته به کلیسا ، توجه

خود را فقط به موسیقی مذهبی محدود کرد و گروه‌های موسیقی هم خود را مصروف
تعلیم هنر جوان نمودند اما مدارس موسیقی در حال حاضر بر هر یک از انواع
موسیقی اشاره شده در فوق توجه دارند و بتعلیم تمامی آنها اقدام میکنند. برای
اینکه اعتقادشان این است که در موسیقی هر نوع و هر فرم بجای خود نیکوست و
کمال آن است که واجد تمام انواع و فرم‌ها باشد. مریبان موسیقی باید بنسبت ارزش
وجودشان، از احترام جامعه برخوردار باشند تا فعالیت‌های خارج از آموزشگاه
نیز تحت نظارت آنان تعالی پذیرد. میزان ارزش فعالیت‌های خارج از آموزشگاه،
در جواب بدین سؤال خلاصه میشود که آیا مدارس در افراد این قابلیت را تقویت
مینماید که در موسیقی عصر خود بتوانند عالمانه شرکت نمایند یا نه، در حقیقت
هر وقت آموزش موسیقی رونق پیدا کرده موسیقی در میان جامعه نیز بهمین نسبت
پیشرفته است و این یک امر بدیهی و طبیعی است و عکس آن نمیتواند صادق باشد. یونانیها
ازین نظر هزینه آموزشی موسیقی را تقبل نمودند که موجب ارشاد افراد در موسیقی
بود و آنان را افراد هوشیار بار می‌آورد. در آمریکا و رود موسیقی بپیر نامه مدارس
از این نظر بوده است که معلومات موسیقی عمومی افراد هر چه بیشتر بالا برود و
بحدی برسد که برای ادای مراسم مذهبی و غیره توانا باشند. برای تعلیم موسیقی
سالیان متمادی وقت صرف شده است و میشود، بدین منظور که از یک سطح
ابتدائی پافرا تر نهد. در زمانهای سابق تعلیم این هنر فقط بمنظور این بود که از آن
در طبقات اجتماع در یک خدمت معمولی استفاده شود زندگی دموکراسی موجب توجه
بدین نکته شد که موسیقی مدارس موجب ایجاد توانش‌های مفید در افراد است. تعلیم
موسیقی بزودی این افتخار را کسب خواهد کرد که افق بینش افراد را در این
زمینه وسیع تر سازد.

مریبان موسیقی یونان در بر خورد با موسیقی ناشناخته و بمنظور کشف بیشتر
نکات دقیق تر از این هنر بر ریاضی موسیقی برگشتند و کمبود محسوس را با توسل بدان
بر طرف ساختند اگر این حقیقت را که امریکائیان مدرن اغلب اوقات خود را صرف
تماشای فیلم تلویزیون که دور برشان را احاطه کرده است ندیده بگیریم مرتکب غفلت
شده ایم موسیقی سبک که وسیله پخش آن همان رادیو و تلویزیون و نظایر آن باشد

لزوما باید در مدارس مورد استفاده قرار گیرد. امریکا از لحاظ مواد موسیقی برای مدارس غنی نیست زیرا تمام منابع آنان مورد تجزیه و تحلیل موسیقی دانان و آهنگ سازان قرار گرفته است. بالنتیجه مر بیان موسیقی ناچار باید به مجموعه ای از موسیقی خارجی و بالادهای جنوبی، آوازهای غربی و غیره متوسل شوند در مقابل همه اینها عمل مر بیان موسیقی در سوق امریکا به هنر فولکلوریک به نتیجه خوبی میرسد.

موضوع دیگر این است که موسیقی در عین حال که به هنر توسعه می بخشد خود نیز متقابلا توسعه مییابد. اگر قرار این است که مدارس بزرگترین مسئولیت را برای تطور و تحول فرهنگی داشته باشند باید قبول کرد که عنصر حیاتی موثر در این مورد همان رشد بیشتر موسیقی است. این صحیح نیست که مدارس همیشه درجا بزنند بلکه باید بلا نقطاع روی بهترین قطعات موسیقی عامیانه امریکا و آهنگهای جدی فعالیت کنند.

خلاصه :

قبل از آنکه بشر وارد عرصه تاریخ شود بموسیقی بعنوان عاملی که بزبان امروزی میتوان آن عامل را باوصف فرهنگی توصیف نمود نظر داشت و ازتعلیم و تعلم آن روش خاصی را انتخاب نموده بود و دنبال میکرد. اطفال و جوانان با ملاحظه بزرگترها مراسم و تشریفات معمول در آن زمان را مطابق آنچه بزرگترها در ادای آن مراسم و تشریفات دیده بودند تقلید میکردند و حتی آموزش در تمدنهای باستانی توسعه پیدا کرد موسیقی یکی از مواد اصلی برنامه مدارس شد. یونانیها آنرا یکی از عناصر اصلی خلاقه تلقی کردند. مر بیان در روم و بطور کلی در اروپا در طول قرون وسطی موسیقی را یکی از هفت شاخه مهم علمی بشمار آوردند و بتدریج آنرا عینا مانند درس ریاضی تدریس نمودند. موسیقی دانان کلیسایی وعده ای از مردم عادی مشغول اشاعه آن شدند تا اینکه رنسانس در این هنر یک نوع قدرت خلاقه تشخیص داد و بالنتیجه بلزوم تعلیم هر چه بیشتر آن اشاره نمود و بالاخره بمرور زمان بنظام جدید اروپائی در موسیقی توجه شد.

مستعمره نشینان امریکائی چنان موسساتی نداشتند و مجبور بودند که مدارس

آواز تشکیل دهند تا هر چه بیشتر و بهتر بخدمات مذهبی پردازند حیات موسیقی ملت بتدریج پیشرفت کرد و با تاسیس سه آموزشگاه عمومی ملی، موسیقی وارد برنامه مدارس شد. موسیقی در مدارس متکی با اصول پستالزی بود و از طرف سیاحان اروپائی اشاعه پیدا می‌کرد. جنبش فرهنگی محرك جدیدی بود که موسیقی مدارس را تحت تاثیر عمیق قرار داد. در جریان قرن بیستم برنامه‌هایی که در آنها از سازمان مختلف استفاده میشد بشدت پیشرفت کرد این خود بنظام آموزش موسیقی در مدارس و گروه‌های وابسته بمدارس کمک مؤثری بود. مریبان موسیقی جلسات مناظره و فستیوال و اردو گاه‌هایی نیز تشکیل میدادند. امروز آموزش این هنر در تمام دنیا رایج است دلایل متقن در دست است که تعلیم موسیقی در تنویر افکار دانش‌آموزان کاملاً موثر است. مبانی تاریخی تعلیم موسیقی، مسئولیت بیشتری را از لحاظ حرفه‌ای، در توجه بجامعه و خصوصیت‌های ذاتی موسیقی نشان میدهد. بطور کلی موسیقی زبان خاصی است که در طول تاریخ تحول و تطور پذیرفته و این تحول و تطور پذیری ادامه خواهد یافت.

ترجمه احمد - کیوان قباد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی